

عنوان

عوامل مؤثر بر تربیت دینی

پژوهشگر: زهره احمدزاده

چکیده تحقیق

این تحقیق در مورد عوامل مؤثر در تربیت دینی نوشته شده است ، وقتی این جهان با تمام روابطش را در نظر می گیریم یاد این حدیث قدسی می افتیم که خداوند می فرماید : « همه چیز را برای تو آفریدم و تو را برای خودم » ، علاوه بر آنکه وجد و سرور وجودمان را می گیرد احساس تکلیفی سنگین بر دوش خود حس می کنیم که هدف از خلقت انسان چه بوده و ما در برابر پروردگارمان چه تکلیفی داریم ؟ طبق آیات و روایات انسان خلق شده برای طاعت و شناخت پروردگار پس نقطه ی هدف رسیدن به مقام عبودیت و معرفت الهی است که ما آن را « تربیت دینی » می نامیم پس باید عوامل مؤثر در تربیت دینی را بشناسیم و در راه حصول به هدف درست گام برداریم پس فرایند تربیت ، هدفدار است و حرکتی است در جهت رسیدن به نقطه ی مشخص . عوامل مؤثر را در دو گرو عوامل درونی و بیرونی بررسی کردیم ، عوامل درونی شامل : الف) تفکر و تعقل ، ب) مخالفت با هوای نفس و ج) کنترل آرزوها می باشد ، که تفکر باعث می شود که هدف و مسیر رسیدن به آن را دائماً برای خود متذکر شویم ، مخالفت با هوای نفس ما را متوجه این امر می کند که نمی توان با نفس افسار گسیخته که در پی رفع نیاز و خواسته های بی حد و مرز خود است به هدف رسید و با آرزوهای متعدد اهداف دیگر

جای هدف اصلی را گرفته و ما را از طی مسیر اصلی باز می دارد . عوامل بیرونی شامل خانواده و محیط که در اجرای تربیت دینی موثرند ، خانواده به عنوان اولین کانون زندگی و رشد کودک بسیاری از عادات و عقاید را در ذهن او نهادینه می کند و محیط اجتماعی هم با ایجاد نیازها و خواسته های جدید به نحوی در نگرش فرد و طی مسیر زندگی موثرند ؛ دوستان ، اساتید ، آداب و رسوم و حکومت که همگی نقش اساسی در نحوه زندگی انسان دارند از عوامل محیطی محسوب می شوند . دین مبین « اسلام » که دینی همه جایی و همیشگی است برای اینکه انسان مغفول شرایط زندگی مادی نشود تدابیری اندیشیده و با تکالیف معینی سعی در بیداری انسان و جلوگیری از لغزش و انحراف او دارد که از آن جمله می توان به توصیه فراوان به موارد زیر اشاره کرد :

۱- عبادت و یاد خدا

۲- همنشینی با صلحها و محبت اولیاء

۳- سفارش به ازدواج

۴- اهمیت کار و اشتغال .

طبق این دستورات از مسیر اصلی منحرف نشده و با اطمینان و آرامش به سعادت ابدی نایل می شویم انشاءالله .

هر انسان مدتی در این دنیا زندگی می کند و بعد فرصت پایان یافته و باید پاسخگوی اعمالش باشد اینک چگونه از فرصت دنیا استفاده کند بر اساس موهبت الهی که انسان قدرت اختیار و انتخاب داده است به دست خود انسان است ، یعنی انسان خودش تعیین می کند که در چهار چوب قضای الهی چگونه زندگی کند و از منابع و امکاناتش به چه شکل بهره ببرد .

حتی اگر دین نداشتیم باز هم خوب بودن و با اخلاق زندگی کردن ، گذشت و ایثار کردن ، آرزوی دراز نداشتن ، مرید اولیاء خدا بودن و .. و همه سفارشات که در ادیان الهی شده بیشترین آرامش و اطمینان را برایمان داشت ، چرا که سفارشات ادیان منطبق بر فطرتی است که پروردگار ما را بر آن آفریده و ما در هیچ حکم الهی تناقضی در وجودمان با آن احساس نمی کنیم مگر آنکه طبق خواست نفس لذت طلب و رها در برابر تکلیف الهی عذر بیاوریم .

وقتی کلیت دین و ضرورت وجود آن را پذیرفتیم یعنی اینکه گفتیم حتماً پروردگار مهربان و حکیم بندگان خود را در این دنیای فریبنده بی راهنما و مذکر رها نمی کند و احکامش را برای هدایت بشر می فرستد باید خود را منطبق با این دستورات بکنیم تا سعادت ابدی نصیبمان شود یعنی باید « تربیت دینی » شویم .

اما عوامل موثر بر تربیت دینی چیست ؟ ما این مطلب را در دو بخش عوامل درونی و بیرونی بررسی کرده ایم ، عوامل درونی شامل تفکر ، مخالفت با هوای نفس ، کنترل آرزوها و عوامل بیرونی شامل خانواده و محیط بررسی شده اند .

رحمت فراگیر پروردگار را فراموش نکنیم که با نوع دستوراتش همواره دست ما را می گیرد و یاریمان می دهد تا در طی مسیر موفق شویم ، در احکام اسلام عبادت ، ازدواج معاشرت با اولیاء خدا و کار و

اشتغال بسیار مورد توجه قرار گرفته که همه اینها انسان را یاری می کند تا مغفول زندگی مادی و نفس گمراه کننده نشود و همواره یاد خدا در زندگیش حضور داشته باشد و سرانجام به منزل مقصود و جوار رحمت الهای نایل گردد .

انسان تربیت پذیر است

تربیت پذیری انسان بر همگان آشکار است و وجود آموزش و کلاسهای مختلف علمی ورزشی ، هنری و ... خود گواه این واقعیت است و شاید بر همین اساس است که حتی مشکلات روانی و عاطفی همچون ترس یا خجالت با ارائه یک برنامه عملی مناسب از طرف روانشناسی بهبود پیدا می کند . امام علی(ع) می فرمایند: « زنهار ! زنهار ! در تربیت و سازندگی خود تلاش کن که خداوند راهی که باید بروی برای تو روشن ساخته و آینده ات را مشخص نموده است . فنفسک نفسک ! قدبین الله لک سبیلک و حیث تنهت بک امورک^۱ انسان با برخورداری از قدرت عقل و تدبیر و عواطف انسانی تربیت پذیرتر از حیوانات و نباتات است .^۲ امام علی (ع) می فرمایند : « از کسانی مباش که پند و اندرز به آنها سودی نمی بخشد مگر آنکه در تویخ آنها مبالغه شود زیرا که انسان های عاقل با اندرز و آداب پند گیرند و چهارپایان بازند؛ و لا تکنونن ممن لا تنفعه العظ إلا بالغت فی ایلامه ، فأن العاقل یتعظ بالآداب ، والبهاائم لا تتعظ الا بالضرب^۳ »

در بیان تفاوت تربیت در انسان و گیاهان و حیوانات می توان گفت : « تربیت عبارت است از پرورش دادن ، یعنی استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن^۴ ، یعنی باید در فطرت به طور بالقوه چیزی باشد تا با فراهم نمودن شرایط مساعد با فطرت ، استعداد

^۱ - دشتی ، محمد ، امام علی (ع) و مباحث تربیتی ، ص ۲۲ به نقل از : نهج البلاغه ، نامه ۳/۳۰

^۲ - دشتی ، محمد ، امام علی (ع) و مباحث تربیتی ، ص ۲۵

^۳ - نهج البلاغه ، نامه ۱۰۸/۳۱

^۴ - مطهری ، مرتضی ، تعلیم و تربیت در اسلام ، ص ۵۷

بالقوه فعلیت یابد. تربیت باید تابع و پیرو طبیعت و سرشت شی باشد و اگر بنا باشد یک شی شکوفا شود باید کوشش گرد همان استعدادهایی که در آن هست صورت گیرد ، اما اگر استعدادی در یک شی نیست بدیهی است آن چیزی که وجود ندارد قابل پرورش هم نیست و همچنین با توجه به استعداد باید شرایط و لوازم را فراهم کرد این است که ترس و تهدید که از لوازم تربیت نیست پس در بهبود تربیت موثر نیست^۱

همچنین در تربیت دینی باید آنچه فطرت به آن نیاز دارد مورد توجه قرار داد و از آن جمله نرمی و ملایمت و رعایت حالات روحی فرد و علائق و تفاوت های فردی اهمیت بسیار دارد، آنچنانچه در نهج البلاغه آمده : إن للقلوب شهوة و اقبالاض و ادباراً ، فاتوها من قبل شهوتها و اقبالها فإن القلب اذا اكره عمی ؛ دل یک میلی دارد و اقبالی ، کوشش کنید دلها را از ناحیه میل آنها پرورش دهید و به زور وادار نکنید ، قلب اگر مورد اکراه و اجبار قرار گیرد کوز می شنود یعنی واپس می زند .^۲

تربیت هدفدار است

دانستیم « تربیت » پرورش استعدادهای فطری است ، یعنی خداوند حکیم برای تحقق انسان کامل و تحقق هدف خلقت و آفرینش انسان امکاناتی در فطرت انسان قرار داده است و تربیت با مهیا کردن شرایط لازم این فطریات را به فعلیت می رساند ، پس تربیت هدفدار است .

در مباحث فلسفی آمده که هیچ حرکتی بدون هدف نیست و فرض قصد و راه بدون مقصد محال است ، تربیت هم که یک نوع حرکت است یعنی رشد و سیر از حالت و مکانی به حالت و مکان دیگر ، باید دارای هدف باشد تا برنامه های تربیت با توجه به آن غایت طرح ریزی شود ، « وقتی هدف ارزشمند

^۱ - مطهری ، مرتضی ، تعلیم و تربیت در اسلام ، ص ۵۸

^۲ - مطهری ، مرتضی ، تعلیمک و تربیت در اسلام ، ص ۵۸

الف) سفارش به عبادات : همانطور که ایمان منشاء عبادات است ، عبادت هم تقویت کننده ایمان است و عملی که منبعث از ایمان است خود مقوم ایمان است ، یعنی تأثیر متقابل ایمان و عمل در یکدیگر ، روح عبادت « تذکر » است یعنی به یاد خدا بودن و از غفلت خارج شدن « اقم الصلوه لذكری ؛ نماز را برای یاد من بپادار^۱ » اسلام هر آنچه موجب انصراف و غفلت از خدا بشود ممنوع (مکروه یا حرام) کرده است مانند افراط در خوردن ، گفتن ، خوابیدن و معاشرت . اسلام فقط به روح عبادت یعنی ارتباط قلبی با معبود توجه نکرده بلکه فرم و ظاهر عبادت هم تعریف شده چرا که عبادت اثر تربیتی وسیعی دارد و از آن جمله توجه به پاکی بدن و لزوم وضو و غسل و طهارت و .. که متذکر اهمیت بهداشت است و یا عدم غصبی بودن محل عبادت ، آب وضو و ... که احترام حقوق اجتماعی افراد مد نظر است .^۲ با عبادت که هر کدام شکل و اثر خاصی دارد متوجه معبود می شویم و اگر در اثر اشتغالات دنیوی دچار نسیان شدیم متنبه شده و هدف اصلی را دوباره می یابیم به شرطی که آداب عبادات را به درستی رعایت کنیم ، طبق آنچه علماً گفته اند اگر فقط همین نماز را در اول وقت اقامه کنیم بقیه اعمالمان هم اصلاح می شود.

ب- الگوسازی از طریق معاشرت با صالحان و محبت اولیاء : بدیهی است که مجالست با صالحان آثار نیک و با بدان آثار سوء دارد چنانچه پیامبر اکرم (ص) می فرمایند : « هر کس به دین دوستش است ؛ المرء علی دین خلیله^۳ در واقع وقتی با کسی دوست می شوی دین او را پذیرفته ای . امام علی(ع) می فرمایند: « مجالست با مردم هواپرست باعث فراموشی ایمان است؛ مجالسه اهل الهوی منسأه لایمان^۴ ».

^۱ - سوره طه ، آیه ۱۴

^۲ - مطهری ، مرتضی ، تعلیم و تربیت در اسلام ، ص ۱۸۵

^۳ - پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (کلمات قصار پیامبر اکرم (ص)، ص ۷۷۸

^۴ - نهج البلاغه ، خطبه ۸۵

در احادیث آمده است که از حضرت عیسی (ع) پرسیدند : با چه کسی مجالست کنیم ؟ فرمود : « با کسی مجالست کنید که دیدنش شمارا به یاد خدا بیندازد ، سخنش بر علم شما بیفزاید و عملش شما را به کار خیر ترغیب کند ؛ من یذکر کم الله رؤیته و یزید فی علمکم منطقه و یرغبکم فی الخیر عمله »^۱ یعنی دیدار بعضی انسانها ور فتار و سیرت و صورتشان برای انسان یاد آور پروردگار و متذکر خدا می باشد و بر عکس همنشینی و دیدار برخی انسان را متوجه غیر خدا کرده و مشغول غیر می کند ، همچنین کلام بعضی انسانها بر معرفت و آگاهی فرد می افزاید و کلام برخی بر افکار باطل اضافه می کند و به خصوص آنچه اثر معاشرت را بیشتر می کند « ارادت » نسبت به آن فرد است ، ارادت از مقوله محبت و شیفتگی است و محبت و ارادت به اولیاء خدا چون عامل اصلاح و تربیت انسان است در تشیع سفارش شده ، توالی و دوستی با دوستان خدا و تبری از دشمنان خدا از فروع دین ماست چرا که این ارادت باعث می شود انسان عمل و منش خود را به مرید تشبیه کند و این تأسی از اولیاء خدا موجب تحقق تربیت دینی است .

ج) توصیه به ازدواج :

ازدواج اولین قدمی است که انسان از خودپرستی و خود دوستی به غیر دوستی سوق می دهد، کار می کند ، زحمت می کشد نه برای خود بلکه برای غیر و بعد از فرزند دار شدن این غیر خواهی بیشتر می شود^۲، به این ترتیب تمرین می کند که در اعمال و افکارش فقط مصالح خود و هوای نفس را در نظر نگیرد و خواسته هایش را با مصالح دیگر تنظیم کند و از طرفی ازدواج و رفع نیاز غریزی حتماً جلوی بسیاری از انحرافات و لغزش های فردی و اجتماعی را می گیرد چراکه سرچشمه بسیاری از گناهان که انسان را از مسیر تربیت دینی منحرف میکند همین نیاز غریزی اوست .

^۱ - کافی ، ۳۹/۱

^۲ - مطهری ، مرتضی ، تعلیم و تربیت در اسلام ، ص ۳۹۷

(د) قداست بخشیدن به کار و تلاش^۱ :

در اسلام کار به عنوان یک امر مقدس شناخته شده است و در روایات آمده است : « الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله ؛ کسی که خود را برای اداره زندگی به مشقت می اندازد مانند مجاهد در راه خداست »^۲ اما قداست کار و اشتغال فقط به دلیل رفع نیاز مادی نیست بلکه علاوه بر آن آثار تربیتی دیگری دارد که ذکر می کنیم ؛ یکی از مسائلی که در عوامل درونی تربیت ذکر کردیم بحث مخالفت با هوای نفس بود که گفتیم در دین اسلام توصیه شده که حتی باید طائر خال را کنترل کنیم و اجازه ندهیم که فکر و اندیشه ما مشغول هر موضوع لغو و لهوی شود که یکی از راههای کنترل و تمرکز خیال کار و اشتغال است وقتی انسان در حرفه ای مشغول است به سوی آن جذب می شود و مجالی برای فکر باطل نمی ماند ، دیگر اینکه کار عامل جلوگیری از گناهان است چرا که بدن انسان وقتی نیرو می گیرد باید آن را مصرف کند ، زبان حرف بزند ، چشم ببیند و... و کار یکی از راههایی است که نیروهای مجتمع بدن را تخلیه می کند ، افرادی که به شکل درست این نیروها را تخلیه نمی کنند دست به جرم و جنایت و ... می زنند.^۳

جمع بندی و نتیجه گیری

در این تحقیق در مورد عوامل موثر بر تربیت دینی پژوهش شد ، در ابتدا یافتیم که تربیت انسان ممکن و هدفدار است و هدف تربیت دینی حرکت در جهت دستیابی به خصوصیات انسان کامل است و اما عوامل موثر در تربیت دینی در دو بخش عوامل درونی و عوامل بیرونی بررسی شد . در بررسی عوامل درونی تفکر را موثر بر تربیت دینی دیدیم ، تفکر در مورد عالم خلقت ، تاریخ و وجود خود انسان بر

^۱ - مطهری ، مرتضی ، تعلیم و تربیت در اسلام ، ص ۴۱۶

^۲ - شیخ صدوق ، محمد بن علی ، من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۱۶۸

^۳ - مطهری ، مرتضی ، تعلیم و تربیت در اسلام ، ص ۴۱۶

خدا شناسی ها می افزاید و مسیر حرکت را نمایان می کند ، همچنین مخالفت با هوای نفسی ما را متوجه آن می کند که خواسته های درونی را سبک ، سنگین کنیم که آیا به صلاح ما است یا نه و حتی فکر و اندیشه مان را کنترل کنیم و نگذاریم افسار گسیخته در مورد هر چیز اندیشه کند و آرزوی دراز از دیگر عوامل درونی است که انسان را از مسیر اصلی منحرف کرد و یا سرعت حرکت را کند و متوقف می کند و سیر تربیت دینی مختل می شود و در مورد عوامل بیرونی خانواده ، دوستان ، جامعه و حکومت ذکر شدند که هر یک در روند تربیت دینی موثرند البته خانواده در این امر اثر پررنگ تری دارد . اسلام که رحتمی از جانب پروردگار است برنامه های عملی برای تنبه انسان در نظر گرفته که سفارش به عبادات ، معاشرت با صلحا ، ازدواج و کار و اشتغال از آن جمله اند .

این خلاصه ای از تحقیق انجام شده بود که اگر هر کدام از دستورات عملی به درستی انجام شود سعادت فرد و جامعه تضمین می شود ، در صورتی که از طریق مدارس ، رسانه ها و نهادهای مرتبط دیگر این عوامل تبیین و برای نیل به آن برنامه ریزی شود دستیابی به نقطه کمال انسانی برای عاملان و آرزومندان محقق خواهد شد.(ان شاء الله)

فهرست منابع :

- ۱- قرآن کریم ، ترجمه الهی قمشه ای، چاپ اول، سازمان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ، بی تا.
- ۲- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، بی چا ، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳.ه.ق
- ۳- بهشتی ، احمد، مسائل و مشکلات تربیتی ج ۳ ، بی چا ، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات ، بی چا ، بی تا .

۴- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (کلمات قصار پیامبر اکرم (ص))، بی چا، انتشارات دنیای دانش، تهران، بی تا

۵- حر عاملی محمد بن حسن ، وسائل الشیعه ، بی چا ، مکتبه الاسلامیه ، تهران ، ۱۳۸۳ هـ. ق

۶- دشتی ، محمد ف امام علی (ع) و مباحث تربیتی ، چاپ اول ، موسسه فرهنگی تحقیقات

امیرالمومنین (ع) قم ۱۳۷۹ هـ. ش

۷- سید رضی ، نهج البلاغه ، حاج شیخ حسین انصاریان ، چاپ اول ، موعود نور ، تهران ، ۱۳۷۸ هـ

ش

۸- شکوهی یکتا ، محسن ف تعلیم و تربیت اسلامی دوره

۹- کاردانی تربیت معلم ، بی چا ، چاپ و نشر ایران ، تهران ۱۳۷۱ هـ ش

۱۰- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیچا، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ هـ. ق

۱۱- مطهری ، مرتضی ، تعلیم و تربیت در اسلام ، چاپ بیستم ، انتشارات صدرا ، تهران ، ۱۳۷۱ هـ.

ش

۱۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ دوم، انتشارات بهزاد، تهران، ۱۳۸۶.

۱۳- موسوی خمینی ، روح الله ، اربعین حدیث ، چاپ ۳۳ ، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ،

تهران ، ۱۳۸۴

۱۴- وجدانی ، مصطفی ، حدیث تربیت کودک ، ج ۱ ، چاپ نهم ، انتشارات پیام آزادی ، تهران ،

۱۳۷۸ هـ ش